

بسم الله الرحمن الرحيم

دروس فی علم الاصول

للشهيد الصدر

الحلقة الثالثة

درس 62

استاد: حجت الاسلام و المسلمين علم الهدی

آموزشیار: آقای شم آبادی

مقدمه:

در مباحث قبل موضوع حجیت ظهور، مورد بررسی قرار گرفت. نظر صحیح این بود که موضوع حجیت، ظهور تصدیقی ثانی است. محقق نائینی (ره) موضوع حجیت ظهور را - همانند شهید صدر (ره) - ظهور تصدیقی لثنی می داند؛ ولی در مقوّم آن و اینکه در چه مواقعی ظهور تصدیقی ثانی شکل می گیرد، با شهید صدر (ره) اختلاف دارد. ایشان بین ظهور و حجیت خلط کرده و آنچه را که در حجیت ظهور تصدیقی ثانی نقش دارد برای شکل - گیری این ظهور لازم دانسته است. در این درس، نظر محقق نائینی (ره) به تفصیل بیان می شود و مورد نقد قرار می گیرد.

متن درس

الخلط بين الظهور والحجية:

اتضح مما تقدم ان مرتبة الظهور التصوري متقومة بالوضع، و مرتبة الظهور التصديقي بلحاظ الدلالة التصديقية الأولى، و الدلالة التصديقية الثانية متقومة بعدم القرينة المتصلة لأن ظاهر حال المتكلم انه يفيد مراده بشخص كلامه، فإذا كانت القرينة متصلة دخلت في شخص الكلام و لم يكن إرادة ما تقتضيه منافياً للظهور الحالى. و اما عدم القرينة المنفصلة فلا دخل له في أصل الظهور و ليس مقوماً له، و انما هو شرط في استمرار الحجية بالنسبة إليه.

و من هنا يتضح وجه الخلط في كلمات جملة من الأكابر الموهمة، لوجود ثلاث رتب من الظهور كلها سابقة على الحجية ككلام المحقق النائيني رحمه الله.

الأولى: مرتبة الظهور التصوري.

الثانية: مرتبة الظهور التصديقي على نحو يسوغ لنا التأكيد على انه قال كذا وفقاً لهذا الظهور.

الثالثة: مرتبة الظهور التصديقي الكاشف عن مراده الواقعي على نحو يسوغ لنا التأكيد على انه أراد كذا وفقاً لهذه المرتبة من الظهور.

و الأولى لا تقوم بعدم القرينة، و الثانية تقوم بعدم القرينة المتصلة، و الثالثة تقوم بعدم القرينة مطلقاً و لو منفصلة.

و الحجية حكم مترتب على المرتبة الثالثة من الظهور فمتى وردت القرينة المنفصلة - فضلاً عن المتصلة - هدمت المرتبة الثالثة من الظهور، و رفعت بذلك موضوع الحجية.

و هذا الكلام لا يمكن قبوله بظاهره، فانه و ان كان على حق في جعل الظهور التصديقي موضوعاً للحجية كما تقدم. غير ان الظهور التصديقي للكلام في إرادة المعنى الحقيقي استعمالاً جدياً ليس متقوماً بعدم القرينة المنفصلة، بل بعدم القرينة المتصلة فقط .

خلط ظهور و حجیت

سخن در خلط بین تحقق ظهور و حجیت است. برخی از محققین، بین تحقق ظهور تصدیقی و حجیت آن خلط کرده‌اند و آنچه را که شرط حجیت است شرط تحقق ظهور گرفته‌اند.

برای روشن شدن این بحث مقدمه‌ای را ذکر می‌کنیم:

قوام ظهورات سه گانه

ما در الفاظ، سه مرتبه ظهور و دلالت داریم:

الف: ظهور تصویری؛ ب: ظهور تصدیقی اولی؛ ج: ظهور تصدیقی ثانی.

قوام ظهور تصویری به وضع است؛ یعنی اگر به محض شنیدن یک لفظ، معنایی به ذهن شما بیاید، این خطوط معنی بر اساس وضعی است که واضع انجام داده است؛ زیرا او این معنی را برای این لفظ وضع کرده است و این وضع موجب شده که به محض شنیدن لفظ، آن معنی در ذهن شما تصور شود. اما قوام دلالت تصدیقی، چه تصدیقی اولی و چه تصدیقی ثانی - به عدم قرینه متصله است. بدین معنی که اگر احتمال وجود قرینه متصله‌ای وجود داشته که به دست ما نرسیده است، همین احتمال کافی است که مانع انعقاد ظهور تصدیقی شده هر دو قسم دلالت تصدیقی از بین برود.

Sco1: 7:04

وجه مقوم بودن عدم قرینه متصله برای ظهور تصدیقی

علت اینکه قوام ظهور تصدیقی اولی و ثانی به عدم قرینه متصله بوده و با احتمال وجود قرینه متصله، ظهور تصدیقی از بین می‌رود این است که در دلالت تصدیقی اولی، ما پی می‌بریم که الفاظی را که مولا بیان نموده در چه معنایی استعمال کرده است و در دلالت تصدیقی ثانی پی می‌بریم که غرض جدی و نهایی مولی از استعمال این الفاظ چیست. با توجه به این مطلب اگر احتمال دهیم قرینه متصله‌ای وجود داشته باشد، نمی‌توانیم بفهمیم مولا این الفاظ را در چه معنایی استعمال کرده است و طبیعتاً اراده جدی مولا را نیز نمی‌توانیم به دست آوریم.

مثال: اگر مولا بگوید «رأیت أسداً» و ما احتمال دهیم کلمه «یرمی» را نیز به عنوان قرینه گفته و ما نشنیده باشیم یا به دست ما نرسیده باشد، در این صورت احتمال می‌دهیم که مولا «اسد» را در معنای مرد شجاع استعمال کرده است؛ بنابراین نمی‌توانیم اراده استعمالی مولا را به دست آوریم. به عبارت دیگر دلالت تصدیقی اولی شکل نمی‌گیرد، و بالطبع اراده جدی مولا را نیز نمی‌توانیم به دست آوریم؛ یعنی نمی‌توانیم بفهمیم مولا در صدد اخبار از چیست؟ آیا در صدد اخبار از دیدن حیوان مفترس است یا در صدد اخبار از دیدن مرد شجاع؟

پس جمله «رأیت أسداً» هر چند تداعی و خطوط معنی (دلالت تصویری) دارد - چرا که به محض شنیدن «رأیت» دیدن با چشم و با شنیدن «اسد» حیوان مفترس تداعی می‌کند - اما مراد استعمالی مولا مشخص

نیست؛ زیرا معلوم نیست مولا این جمله را در چه معنایی استعمال کرده است. مراد جدی او نیز مشخص نمی‌نیز شود؛ زیرا معلوم نیست مولا در صدد اخبار از چه واقعیاتی است و چه چیزی را دیده که اکنون می‌خواهد از آن خبر دهد.

نتیجه: برای منعقد نشدن ظهور تصدیق اولی و ثانی، احتمال وجود قرینه متصله کافی است؛ اما به محض احراز عدم قرینه متصله، این ظهور شکل گرفته، موضوع حجیت محقق می‌شود.

عدم دخالت قرینه منفصله در ظهور تصدیقی

پس گفتیم که مقوم ظهور تصدیقی، عدم قرینه متصله است. اما عدم قرینه منفصله، در ظهور تصدیقی – به خصوص تصدیقی ثانی – دخالتی ندارد؛ چرا که با وجود قرینه منفصله، ظهور تصدیقی از حجیت می‌افتد؛ نه اینکه از عرصه وجود ساقط شود؛ چون سقوط موضوع از مرحله وجود با سقوط موضوع از مرحله حکم متفاوت است.

مثال: اگر مولا بگوید «اکرم العالم» چون «عالم» اطلاق دارد، بر مخاطب لازم است که علمای فاسق را نیز اکرام کند؛ چرا که اطلاق در وجوب اکرام علماء چه عادل و چه فاسق حجت است. اما اگر مولا عبارت دیگری بیان کند که قرینه منفصله محسوب شود، به عنوان مثال بگوید «و العالم عندی هو العادل» دیگر خطاب اول در وجوب اکرام علمای فاسق حجت نخواهد بود. در واقع قرینه منفصله، ظهور تصدیقی و اطلاق کلام را از بین نمی‌برد، بلکه حجیت را از ظهور تصدیقی سلب می‌کند.

Sco2 14:40

کلام محقق نائینی (ره) در ظهورات ثلاث و مقوم آنها

محقق نائینی (ره) همانند دیگران قائل است که قبل از حجیت، سه مرتبه از ظهور وجود دارد. زیرا موضوع حجیت، ظهور تصدیقی ثانی است و ظهور تصدیقی ثانی وقتی منعقد می‌شود که ظهور تصدیقی اولی محقق شده باشد و ظهور تصدیقی اولی نیز هنگامی منعقد می‌شود که ظهور تصویری شکل گرفته باشد. پس باید سه مرتبه از ظهورات محقق شود تا حکم یعنی حجیت مترتب شود.

اما مختار ایشان در مورد مقوم هر یک از دلالات ثلاث به این نحو است که دلالت تصویری به صرف وضع، قوام می‌یابد و قرائن متصله یا منفصله، نقشی در تحقق و انعدام آن ندارند. اما قوام دلالت تصدیقی اولی بر عدم قرینه مضله است و قوام دلالت تصدیقی ثانی بر عدم قرینه منفصله.

بررسی کلام محقق نائینی (ره)

سخن محقق نائینی (ره) که ظهور تصدیقی ثانی را موضوع حجیت قرار داده صحیح است؛ بر خلاف محقق اصفهانی که موضوع حجیت را ظهور تصویری دانسته است. اما اشتباه ایشان در بیان مقوم ظهور تصدیقی

ثانی است که آن را عدم قرینه منفصله قرار داده است؛ در حالی که عدم قرینه منفصله ، مقوم حکم یعنی حجیت است نه مقوم موضوع یعنی دلالت تصدیقی ثانی.

نتیجه نهایی: محقق نائینی (ره) بین تحقق ظهور و حجیت خلط کرده و آنچه را برای حجیت لازم بوده برای شکل‌گیری ظهور لازم دانسته است؛ بنابراین نظر ایشان صحیح نمی باشد.

sco3: 27:43

چکیده

1. الفاظ دارای سه مرتبه از ظهور و دلالت هستند:
الف- ظهور تصویری. ب- ظهور تصدیقی اولی. ج- ظهور تصدیقی ثانوی.
2. قوام ظهور تصویری به وضع است. یعنی برای تداعی و خطوط یک معنی هنگام شنیدن یک لفظ، فقط کافی است که آن لفظ برای یک معنایی وضع شده باشد.
3. قوام ظهور تصدیقی اولی و ثانوی، به عدم قرینه متصله است. یعنی اگر احتمال قرینه متصله منتفی باشد ظهور تصدیقی شکل می گیرد.
4. علت ترتب قوام ظهور تصدیقی به عدم قرینه متصله این است که با احتمال قرینه متصله نمی توانیم کشف کنیم که مولا لفظ را در چه معنایی استعمال کرده است و بالطبع اراده جدی مولا نیز از آن لفظ کشف نخواهد شد.
5. عدم قرینه منفصله در مرتبه موضوع (مرتبه شکل گیری ظهور تصدیقی حتی تصدیقی ثانی) هیچ نقشی ندارد بلکه احتمال قرینه منفصله باعث می شود که حکم - یعنی حجیت - مترتب نشده و ظهور تصدیقی ثانی حجت نباشد.
6. محقق نائینی (ره) موضوع حجیت را، ظهور تصدیقی ثانی می داند؛ اما (بر خلاف شهید صدر) عدم قرینه منفصله، مقوم ظهور تصدیقی ثانی است و برای شکل گیری این مرحله از ظهور، باید احتمال قرینه منفصله منتفی باشد.
7. به نظر شهید صدر (ره) اشتباه محقق نائینی (ره) این است که بین ظهور و حجیت خلط کرده و آنچه را برای حجیت لازم بوده، برای شکل گیری ظهور لازم دانسته است.